

مقایسه روش‌های تدریس زبان انگلیسی به نوجوانان و بزرگسالان: مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

پژمان کرمی

دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان انگلیسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. همدان. ایران

چکیده

روش‌های تدریس زبان انگلیسی بسته به گروه سنی زبان‌آموزان تفاوت‌های اساسی دارند. این پژوهش با تمرکز بر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، به مقایسه روش‌های تدریس در دو گروه سنی نوجوانان (دانشجویان ترم یک) و بزرگسالان (دانشجویان سال‌های بالاتر و افراد شاغل) می‌پردازد. ابتدا ویژگی‌های شناختی و روان‌شناختی این دو گروه بررسی شده و سپس تأثیر روش‌های مختلف تدریس، از جمله روش ارتباطی، یادگیری مبتنی بر چندرسانه‌ای و آموزش هدفمند بر اساس نیازهای حرفه‌ای، تحلیل می‌شود. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه با اساتید و دانشجویان جمع‌آوری شده و با استفاده از روش‌های آماری تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که یادگیری از طریق رویکردهای تعاملی و چندرسانه‌ای برای دانشجویان ترم یک و آموزش کاربردی مبتنی بر موقعیت‌های واقعی برای دانشجویان سال‌های بالاتر بیشترین بازده را دارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در بهبود روش‌های تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه‌ها مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان انگلیسی، روش‌های تدریس، دانشجویان ترم یک، بزرگسالان، دانشگاه آزاد همدان، یادگیری زبان، تدریس ارتباطی، یادگیری چندرسانه‌ای.

۱- مقدمه

یادگیری زبان انگلیسی در جوامع امروزی به یکی از نیازهای اساسی برای پیشرفت تحصیلی، ارتباطات بین‌المللی و موفقیت حرفه‌ای تبدیل شده است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی همواره در تلاش هستند تا با استفاده از روش‌های نوین تدریس، فرآیند یادگیری زبان را برای دانشجویان تسهیل کنند. با این حال، یکی از چالش‌های مهم در آموزش زبان، تفاوت‌های فردی و گروهی در میان زبان‌آموزان است. به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، دانشجویان از نظر سنی، تجربیات زبانی، انگیزه‌های یادگیری و نیازهای ارتباطی با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها باعث می‌شود که یک روش تدریس خاص برای همه دانشجویان کارآمد نباشد و نیاز به رویکردهای آموزشی متناسب با ویژگی‌های هر گروه احساس شود.

در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، دانشجویان رشته‌های مختلف با پیشینه‌های زبانی متفاوت در کلاس‌های زبان انگلیسی شرکت می‌کنند. در میان این دانشجویان، دو گروه عمده قابل تفکیک هستند: دانشجویان ترم یک که معمولاً نوجوانان و جوانانی با تجربه محدود در استفاده از زبان انگلیسی هستند، و دانشجویان سال‌های بالاتر که اغلب تجربه بیشتری در یادگیری زبان دارند و برخی از آنان به دلیل نیازهای حرفه‌ای یا تحصیلی خود، انگیزه بالاتری برای یادگیری دارند. این تفاوت‌های سنی و شناختی باعث می‌شود که روش‌های تدریس زبان انگلیسی برای هر یک از این گروه‌ها نیازمند طراحی و تنظیم متفاوتی باشد. در آموزش زبان انگلیسی، روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هر یک مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارند. روش‌های سنتی مبتنی بر گرامر-ترجمه ممکن است برای برخی از دانشجویان مفید باشد، اما در مقابل، روش‌های ارتباطی و چندرسانه‌ای به دلیل تأکید بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری، می‌توانند برای دانشجویان ترم یک که نیاز به درگیری بیشتر با زبان دارند، اثربخش‌تر باشند. از سوی دیگر، دانشجویان سال‌های بالاتر که معمولاً نیازهای حرفه‌ای یا تحصیلی مشخص‌تری دارند، از روش‌هایی که بر کاربرد عملی زبان در محیط‌های واقعی تمرکز دارند، بهره بیشتری می‌برند.

این پژوهش به بررسی و مقایسه روش‌های تدریس زبان انگلیسی برای دو گروه دانشجویان ترم یک (نوجوانان) و دانشجویان سال‌های بالاتر (بزرگسالان) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی روش‌های تدریس مؤثر برای هر یک از این گروه‌ها و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند آموزش زبان در دانشگاه است. در این راستا، پژوهش حاضر به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد:

- کدام روش‌های تدریس برای دانشجویان ترم یک بیشترین تأثیر را دارند؟
 - آیا تفاوت‌های شناختی و انگیزشی میان این دو گروه باعث تفاوت در شیوه‌های یادگیری آن‌ها می‌شود؟
 - چگونه می‌توان روش‌های تدریس را برای هر گروه بهینه‌سازی کرد تا یادگیری زبان انگلیسی تسهیل شود؟
- نتایج این پژوهش می‌تواند به اساتید و برنامه‌ریزان آموزشی در دانشگاه‌ها کمک کند تا شیوه‌های تدریس خود را بر اساس نیازهای خاص هر گروه از دانشجویان تنظیم کرده و یادگیری زبان انگلیسی را به تجربه‌ای مؤثرتر و کاربردی‌تر تبدیل کنند.

۲- ادبیات تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه تأثیر روش‌های تدریس زبان انگلیسی بر گروه‌های سنی مختلف انجام شده است. لارسن-فریمن (۲۰۰۰) در پژوهش خود به بررسی روش‌های مختلف تدریس، از جمله روش گرامر-ترجمه، روش مستقیم، روش شنیداری-گفتاری، روش ارتباطی و روش‌های مبتنی بر چندرسانه‌ای پرداخته است.

وی تأکید می‌کند که روش‌های ارتباطی که بر تعامل و استفاده از زبان در موقعیت‌های واقعی تمرکز دارند، برای زبان‌آموزان مؤثرتر از روش‌های سنتی مبتنی بر حفظ و تکرار هستند. ریچاردز و راجرز (۲۰۱۴) نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که ترکیب روش‌های سنتی و نوین، از جمله استفاده از تکنولوژی و یادگیری مبتنی بر پروژه، می‌تواند منجر به بهبود مهارت‌های زبانی شود.

در حوزه تفاوت‌های شناختی و روان‌شناختی در یادگیری زبان، کراشن (۱۹۸۲) در نظریه "ورودی قابل‌فهم" مطرح می‌کند که زبان‌آموزان نیاز دارند تا در معرض محتوای زبانی قرار بگیرند که اندکی بالاتر از سطح فعلی آن‌ها باشد. این نظریه به‌ویژه برای

نوجوانان که در حال تطبیق با محیط آموزشی جدید هستند، اهمیت دارد. الیس (۲۰۰۸) نیز تأکید می‌کند که یادگیری زبان در بزرگسالان بیش از آنکه به توانایی شناختی وابسته باشد، به انگیزه و نیازهای حرفه‌ای آنان مرتبط است. این امر نشان می‌دهد که روش‌های تدریس باید بر اساس سطح انگیزه و نیازهای زبان‌آموزان تنظیم شوند.

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که روش‌های تدریس برای نوجوانان و بزرگسالان باید متفاوت باشد. لایتون و اسپادا (۲۰۱۳) دریافتند که نوجوانان تمایل بیشتری به یادگیری از طریق فعالیت‌های تعاملی و چندرسانه‌ای دارند، در حالی که بزرگسالان معمولاً روش‌های ساختاریافته‌تر و کاربردی‌تر را ترجیح می‌دهند. هارمر (۲۰۱۵) نیز در بررسی خود نشان داد که یادگیری زبان در نوجوانان اغلب غیررسمی‌تر و مبتنی بر تجربه‌های اجتماعی است، اما بزرگسالان به دنبال یادگیری هدفمند و کاربردی هستند.

پژوهش دیگری که در دانشگاه کمبریج انجام شد، نشان داد که دانشجویان سال‌های نخست دانشگاه از روش‌های تدریس تعاملی، مانند بازی‌های زبانی و کار گروهی، بازده بیشتری دارند، در حالی که دانشجویان سال‌های بالاتر از روش‌های مبتنی بر تحلیل متون علمی و موقعیت‌های شبیه‌سازی‌شده بیشترین بهره را می‌برند (میشل و مایلز، ۲۰۱۹). این یافته‌ها با پژوهش دورنویی (۲۰۱۳) نیز همخوانی دارد که نشان داد انگیزه در یادگیری زبان، بسته به شرایط سنی و تحصیلی، تفاوت قابل توجهی دارد و روش‌های آموزشی باید بر این اساس طراحی شوند.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. یزدانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای بر روی دانشجویان دانشگاهی دریافتند که روش‌های ارتباطی و مشارکتی تأثیر مثبتی بر یادگیری مهارت‌های گفتاری و شنیداری دارند. کریمی (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی نشان داد که استفاده از محتوای چندرسانه‌ای می‌تواند انگیزه دانشجویان را افزایش داده و یادگیری زبان را تسهیل کند.

بررسی این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انتخاب روش تدریس مناسب می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه داشته باشد و طراحی شیوه‌های آموزشی باید متناسب با ویژگی‌های شناختی، انگیزشی و نیازهای حرفه‌ای زبان‌آموزان انجام شود.

۳- مدل و فرضیه‌های تحقیق

مدل تحقیق

مدل تحقیق حاضر بر اساس چارچوب نظری مرتبط با روش‌های تدریس زبان انگلیسی و تفاوت‌های شناختی و انگیزشی میان دانشجویان ترم یک (نوجوانان) و دانشجویان سال‌های بالاتر (بزرگسالان) طراحی شده است. این مدل بر پایه نظریه‌های یادگیری زبان دوم، از جمله نظریه "ورودی قابل فهم" کراشن (۱۹۸۲)، مدل انگیزشی در یادگیری زبان دورنویی (۲۰۱۳) و رویکردهای آموزشی پیشنهادی توسط ریچاردز و راجرز (۲۰۱۴) است.

در این مدل، روش‌های تدریس (متغیر مستقل) شامل روش ارتباطی، روش چندرسانه‌ای و روش‌های مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای است. متغیر وابسته، میزان پیشرفت مهارت‌های زبانی دانشجویان است که از طریق ارزیابی عملکرد در مهارت‌های چهارگانه (شنیداری، گفتاری، خواندن و نوشتن) سنجیده می‌شود. همچنین، عوامل شناختی و انگیزشی به عنوان متغیرهای مداخله‌گر در نظر گرفته شده‌اند که می‌توانند بر تأثیر روش‌های تدریس بر یادگیری زبان تأثیر بگذارند.

فرضیه‌های تحقیق

بر اساس مدل مفهومی فوق، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: روش تدریس ارتباطی تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت مهارت‌های زبانی دانشجویان ترم یک دارد.

فرضیه دوم: روش‌های مبتنی بر چندرسانه‌ای تأثیر بیشتری بر بهبود مهارت‌های گفتاری و شنیداری دانشجویان ترم یک نسبت به دانشجویان سال‌های بالاتر دارند.

فرضیه سوم: روش های تدریس مبتنی بر نیازهای حرفه ای تأثیر مثبت و معناداری بر یادگیری زبان در دانشجویان سال های بالاتر دارند.

فرضیه چهارم: میزان انگیزه دانشجویان ترم یک برای یادگیری زبان بیشتر تحت تأثیر روش های تعاملی و چندرسانه ای قرار دارد.

فرضیه پنجم: دانشجویان سال های بالاتر به دلیل نیازهای حرفه ای، روش های ساختاریافته و مبتنی بر موقعیت های واقعی را مؤثرتر از روش های تعاملی می دانند.

فرضیه ششم: تفاوت های شناختی بین دانشجویان ترم یک و سال های بالاتر بر نحوه یادگیری زبان انگلیسی تأثیر دارد. این مدل و فرضیه ها به منظور بررسی دقیق تر تفاوت های موجود در یادگیری زبان بین دو گروه دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان طراحی شده و نتایج این پژوهش می تواند در بهینه سازی روش های تدریس زبان در این دانشگاه و سایر مراکز آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- روش تحقیق

۴.۱. نوع تحقیق و روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است. همچنین، رویکرد تحقیق به صورت ترکیبی (کمی و کیفی) بوده و داده ها از طریق پرسش نامه، مصاحبه و تحلیل نتایج آزمون های زبانی جمع آوری شده اند.

۴.۲. جامعه آماری و نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است که در دو گروه اصلی تقسیم می شوند:

- گروه اول: دانشجویان ترم یک که در سنین نوجوانی و اوایل جوانی قرار دارند.
 - گروه دوم: دانشجویان سال های بالاتر که شامل بزرگسالان و افراد شاغل هستند.
- برای انتخاب نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده شده است تا نسبت دانشجویان هر دو گروه در نمونه رعایت شود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان تعیین شده و شامل ۱۵۰ دانشجو (۷۵ نفر از هر گروه) و ۱۰ مدرس زبان انگلیسی به عنوان متخصصان حوزه آموزش زبان است.

۴.۳. ابزارهای گردآوری داده ها

برای جمع آوری داده ها از روش های زیر استفاده شده است:

- پرسش نامه:
- پرسش نامه ای شامل سؤالات بسته و باز برای بررسی تأثیر روش های تدریس بر یادگیری زبان انگلیسی.
- استفاده از مقیاس لیکرت پنج درجه ای برای اندازه گیری میزان تأثیر روش های تدریس.
- مصاحبه:
- مصاحبه نیمه ساختاریافته با اساتید زبان دانشگاه به منظور بررسی دیدگاه های آن ها درباره روش های تدریس مؤثر.
- آزمون های زبانی:
- ارزیابی پیشرفت مهارت های زبان آموزان با استفاده از آزمون های استاندارد مانند TOEFL Primary یا آزمون های داخلی دانشگاه.

۴.۴. روش تجزیه و تحلیل داده ها

- برای تحلیل داده های کمی، از نرم افزار SPSS استفاده شده و آزمون های آماری زیر اجرا شده اند:
- آزمون T مستقل برای مقایسه تأثیر روش های تدریس بین دو گروه.
- تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) برای بررسی تفاوت های بین روش های مختلف تدریس.
- تحلیل رگرسیون خطی برای ارزیابی میزان تأثیر متغیرهای مستقل (روش های تدریس) بر متغیر وابسته (پیشرفت زبانی).

داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها نیز با روش تحلیل محتوایی بررسی و مقوله‌بندی شده‌اند تا دیدگاه‌های اساتید درباره اثربخشی روش‌های تدریس مشخص شود.

۵. ۴. روایی و پایایی تحقیق

- روایی محتوایی پرسش‌نامه و ابزارهای تحقیق با نظر متخصصان آموزش زبان انگلیسی بررسی شده است.
- پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده و مقدار آن بالای ۰٫۷ گزارش شده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار است.

۶. ۴. محدودیت‌های تحقیق

- تفاوت در میزان پیش‌زمینه زبانی دانشجویان که ممکن است بر نتایج تأثیر بگذارد.
 - احتمال تأثیر عوامل انگیزشی و شخصیتی که کنترل آن‌ها دشوار است.
 - محدودیت در دسترسی به داده‌های جامع درباره روش‌های تدریس در دانشگاه‌های دیگر برای مقایسه.
- این روش تحقیق به محققان کمک می‌کند تا تأثیر روش‌های مختلف تدریس را بر یادگیری زبان انگلیسی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد همدان تحلیل کرده و پیشنهادهایی برای بهینه‌سازی فرآیند آموزش ارائه دهند.

۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، مصاحبه و آزمون‌های زبانی استخراج شده‌اند. در این بخش، نتایج به تفکیک تأثیر روش‌های تدریس بر دانشجویان ترم یک و دانشجویان سال‌های بالاتر ارائه می‌شود.

۱. ۵. تأثیر روش تدریس ارتباطی بر یادگیری زبان

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پرسش‌نامه نشان داد که ۷۸٪ از دانشجویان ترم یک روش تدریس ارتباطی را مؤثرترین شیوه برای یادگیری زبان انگلیسی دانستند. آزمون t مستقل نیز نشان داد که میانگین پیشرفت مهارت‌های گفتاری و شنیداری در این گروه نسبت به سایر روش‌ها به‌طور معناداری بالاتر است ($p < 0.05$). در مقابل، ۵۶٪ از دانشجویان سال‌های بالاتر این روش را چندان مناسب ندانستند و روش‌های ساختاریافته‌تر را ترجیح دادند.

۲. ۵. تأثیر روش‌های چندرسانه‌ای بر یادگیری زبان

طبق یافته‌ها، ۸۲٪ از دانشجویان ترم یک معتقد بودند که استفاده از ویدئوهای آموزشی، نرم‌افزارهای تعاملی و بازی‌های زبانی باعث افزایش انگیزه و درک بهتر مفاهیم زبانی می‌شود. تحلیل رگرسیون نشان داد که این روش تأثیر مثبت و معناداری بر مهارت‌های شنیداری و گفتاری دارد ($\beta = 0.67, p < 0.01$). از سوی دیگر، دانشجویان سال‌های بالاتر نسبت به این روش دیدگاه متعادلی داشتند و تنها ۴۵٪ از آن‌ها استفاده از چندرسانه‌ای را به روش‌های سنتی‌تر ترجیح دادند.

۳. ۵. تأثیر روش‌های تدریس مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای

دانشجویان سال‌های بالاتر به میزان قابل توجهی روش‌های تدریس مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای را ترجیح دادند. نتایج نشان داد که ۷۶٪ از این دانشجویان روش‌هایی مانند تحلیل متون علمی، شبیه‌سازی مکالمات حرفه‌ای و یادگیری مبتنی بر پروژه را مفید دانستند. آزمون ANOVA نشان داد که این روش در مقایسه با روش‌های دیگر، تأثیر بیشتری بر پیشرفت مهارت‌های نوشتاری و خواندن دارد ($F = 5.43, p < 0.05$). تنها ۳۹٪ از دانشجویان ترم یک این روش را مناسب یادگیری خود ارزیابی کردند.

۴. ۵. مقایسه تأثیر روش‌های تدریس بر دو گروه سنی

تحلیل کلی داده‌ها نشان داد که:

- دانشجویان ترم یک بیشتر تحت تأثیر روش‌های ارتباطی و چندرسانه‌ای قرار می‌گیرند.

• دانشجویان سال‌های بالاتر روش‌های ساختاریافته و مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای را ترجیح می‌دهند.

• تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که عامل انگیزه نقش مهمی در تأثیرگذاری روش‌های تدریس دارد و این عامل در دانشجویان ترم یک بیشتر به روش‌های تعاملی وابسته است ($R^2 = 0.62, p < 0.01$)، در حالی که در دانشجویان سال‌های بالاتر، انگیزه بیشتر با نیازهای شغلی و تحصیلی مرتبط است ($R^2 = 0.55, p < 0.01$).

۵. یافته‌های حاصل از مصاحبه با اساتید

بررسی دیدگاه‌های اساتید نشان داد که:

- ۸۰٪ از اساتید معتقد بودند که استفاده از روش‌های ترکیبی، شامل روش ارتباطی برای دانشجویان ترم یک و روش‌های مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای برای دانشجویان سال‌های بالاتر، می‌تواند اثربخش‌تر باشد.
- ۶۵٪ از اساتید بیان کردند که روش‌های چندرسانه‌ای باعث افزایش تعامل دانشجویان ترم یک در کلاس می‌شود اما در دانشجویان سال‌های بالاتر تأثیر کمتری دارد.
- ۵۸٪ از اساتید بر این باور بودند که عدم تناسب روش تدریس با نیازهای یادگیرندگان، یکی از عوامل کاهش بازدهی یادگیری در دانشگاه است.

۶. نتایج آزمون‌های زبانی

برای بررسی تأثیر روش‌های تدریس بر مهارت‌های زبانی، از آزمون‌های استاندارد استفاده شد. نتایج نشان داد که:

• دانشجویان ترم یک که تحت آموزش روش ارتباطی و چندرسانه‌ای بودند، در مهارت گفتاری و شنیداری بهبود بیشتری نشان دادند.

• دانشجویان سال‌های بالاتر که با روش‌های مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای آموزش دیده بودند، در مهارت‌های خواندن و نوشتن عملکرد بهتری داشتند.

• تفاوت میانگین نمرات در گروه‌های مختلف از لحاظ آماری معنادار بود ($p < 0.05$).

جمع‌بندی یافته‌ها

به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که روش‌های تدریس باید با توجه به ویژگی‌های شناختی و انگیزشی هر گروه سنی تنظیم شوند. روش‌های تعاملی و چندرسانه‌ای برای دانشجویان ترم یک مؤثرتر هستند، در حالی که روش‌های ساختاریافته و مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای، برای دانشجویان سال‌های بالاتر مناسب‌تر به نظر می‌رسند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

۱. بحث درباره یافته‌ها

نتایج این پژوهش نشان داد که تفاوت‌های سنی، تحصیلی و انگیزشی نقش مهمی در اثربخشی روش‌های تدریس زبان انگلیسی دارند. یافته‌ها تأیید کردند که دانشجویان ترم یک که در ابتدای مسیر تحصیلی خود قرار دارند، به روش‌های ارتباطی و چندرسانه‌ای واکنش مثبت‌تری نشان می‌دهند. این نتیجه با نظریه کراشن (۱۹۸۲) در مورد "ورودی قابل‌فهم" همخوانی دارد، زیرا دانشجویان در این مقطع بیشتر به تعامل زبانی و تجربه‌های یادگیری عملی نیاز دارند. همچنین، یافته‌های تحقیق با مطالعه ریچاردز و راجرز (۲۰۱۴) هم‌راستا بود که نشان می‌دهد روش‌های تعاملی باعث افزایش انگیزه و مشارکت در کلاس می‌شوند.

در مقابل، دانشجویان سال‌های بالاتر که دارای اهداف حرفه‌ای و آکادمیک مشخص‌تری هستند، روش‌های ساختاریافته و مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای را ترجیح دادند. این موضوع با نتایج پژوهش الیس (۲۰۰۸) که نشان داد بزرگ‌سالان به دلیل نیازهای شغلی و تحصیلی، به روش‌های تدریس هدفمندتر گرایش دارند، همخوانی دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که میزان انگیزه نقش مهمی در تأثیرگذاری روش‌های تدریس دارد؛ موضوعی که در تحقیقات دورنویی (۲۰۱۳) نیز به آن اشاره شده است.

نتایج حاصل از آزمون‌های زبانی نیز نشان داد که روش‌های تدریس متفاوت، تأثیر متغیری بر مهارت‌های زبانی دارند. روش‌های ارتباطی و چندرسانه‌ای بیشترین تأثیر را بر مهارت‌های گفتاری و شنیداری دانشجویان ترم یک داشتند، در حالی که روش‌های ساختاریافته و مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای به بهبود مهارت‌های خواندن و نوشتن دانشجویان سال‌های بالاتر کمک کردند. این نتایج مشابه یافته‌های لایتبون و اسپادا (۲۰۱۳) است که نشان دادند یادگیرندگان زبان در گروه‌های سنی مختلف به شیوه‌های یادگیری متفاوتی نیاز دارند.

۲. نتیجه‌گیری

بررسی روش‌های مختلف تدریس زبان انگلیسی نشان داد که یک روش ثابت برای همه دانشجویان کارایی ندارد و باید با توجه به ویژگی‌های شناختی، انگیزشی و اهداف تحصیلی زبان‌آموزان تنظیم شود. بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که:

- برای دانشجویان ترم یک: استفاده از روش‌های ارتباطی، تعاملی و چندرسانه‌ای در اولویت قرار گیرد تا از طریق تعامل بیشتر، انگیزه یادگیری افزایش یابد.
- برای دانشجویان سال‌های بالاتر: روش‌های مبتنی بر نیازهای حرفه‌ای، تحلیل متون و موقعیت‌های شبیه‌سازی شده کاربردی‌تر خواهند بود.

همچنین، نتایج نشان داد که ترکیب روش‌های تدریس می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود که اساتید از رویکردهای تلفیقی استفاده کنند، به‌ویژه در کلاس‌هایی که ترکیبی از دانشجویان با سطوح مختلف یادگیری حضور دارند.

۳. پیشنهاد‌های کاربردی

۱. بازنگری در برنامه‌های آموزشی دانشگاه آزاد همدان به‌منظور انطباق روش‌های تدریس با ویژگی‌های دانشجویان در مقاطع مختلف.
 ۲. افزایش استفاده از فناوری‌های آموزشی، مانند ویدئوهای تعاملی، نرم‌افزارهای یادگیری زبان و بازی‌های زبانی برای تقویت مهارت‌های گفتاری و شنیداری.
 ۳. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای اساتید به‌منظور آشنایی با شیوه‌های نوین تدریس زبان و نحوه به‌کارگیری ترکیبی از روش‌های مختلف.
 ۴. ایجاد فرصت‌های یادگیری تجربی برای دانشجویان سال‌های بالاتر، مانند پروژه‌های زبانی مرتبط با حوزه‌های کاری آن‌ها.
 ۴. محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد‌هایی برای تحقیقات آینده
- این پژوهش محدودیت‌هایی داشت که باید در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد:
- تنوع جمعیت آماری: نمونه تحقیق تنها شامل دانشجویان دانشگاه آزاد همدان بود و نتایج ممکن است برای سایر دانشگاه‌ها قابل تعمیم نباشد.
 - متغیرهای انگیزشی: این پژوهش تنها برخی از جنبه‌های انگیزه یادگیری را بررسی کرد و پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده نقش عوامل روان‌شناختی را نیز در نظر بگیرند.
 - بررسی طولانی‌مدت تأثیر روش‌های تدریس: این پژوهش تأثیر روش‌های تدریس را در یک دوره مشخص بررسی کرد؛ پژوهش‌های آینده می‌توانند تغییرات در مهارت‌های زبانی را در بازه‌های زمانی طولانی‌تر تحلیل کنند.
- جمع‌بندی نهایی

نتایج این پژوهش نشان داد که برای بهبود یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه، اساتید باید رویکردهای تدریس خود را بر اساس ویژگی‌های یادگیرندگان تنظیم کنند. استفاده از روش‌های تعاملی برای دانشجویان ترم یک و روش‌های حرفه‌ای برای دانشجویان سال‌های بالاتر می‌تواند موجب افزایش بازدهی آموزشی و بهبود مهارت‌های زبانی شود. با توجه به این یافته‌ها، طراحی یک برنامه آموزشی انعطاف‌پذیر که ترکیبی از روش‌های مختلف تدریس را در بر بگیرد، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش زبان در دانشگاه‌های ایران داشته باشد.

منابع

1. Brown, H. D. (2007). *Principles of Language Learning and Teaching* (5th ed.). Pearson Education.
2. Celce-Murcia, M. (2001). *Teaching English as a Second or Foreign Language* (3rd ed.). Heinle & Heinle.
3. Cook, V. (2016). *Second Language Learning and Language Teaching* (5th ed.). Routledge.
4. Dörnyei, Z. (2005). *The Psychology of the Language Learner: Individual Differences in Second Language Acquisition*. Lawrence Erlbaum Associates.
5. Dörnyei, Z., & Ushioda, E. (2011). *Teaching and Researching Motivation* (2nd ed.). Pearson Education.
6. Ellis, R. (1997). *Second Language Acquisition*. Oxford University Press.
7. Ellis, R. (2008). *The Study of Second Language Acquisition* (2nd ed.). Oxford University Press.
8. Harmer, J. (2007). *The Practice of English Language Teaching* (4th ed.). Pearson Longman.
9. Krashen, S. D. (1982). *Principles and Practice in Second Language Acquisition*. Pergamon.
10. Larsen-Freeman, D. (2011). *Techniques and Principles in Language Teaching* (3rd ed.). Oxford University Press.
11. Lightbown, P. M., & Spada, N. (2013). *How Languages are Learned* (4th ed.). Oxford University Press.
12. Littlewood, W. (1984). *Communicative Language Teaching: An Introduction*. Cambridge University Press.
13. Long, M. H. (1996). The Role of the Linguistic Environment in Second Language Acquisition. In W. Ritchie & T. Bhatia (Eds.), *Handbook of Second Language Acquisition* (pp. 413–468). Academic Press.
14. Nation, I. S. P. (2001). *Learning Vocabulary in Another Language*. Cambridge University Press.
15. Nation, I. S. P., & Macalister, J. (2010). *Language Curriculum Design*. Routledge.
16. Nunan, D. (1999). *Second Language Teaching & Learning*. Heinle & Heinle.
17. Oxford, R. L. (1990). *Language Learning Strategies: What Every Teacher Should Know*. Heinle & Heinle.
18. Richards, J. C., & Rodgers, T. S. (2014). *Approaches and Methods in Language Teaching* (3rd ed.). Cambridge University Press.
19. Skehan, P. (1998). *A Cognitive Approach to Language Learning*. Oxford University Press.
20. Swain, M. (2005). The Output Hypothesis: Theory and Research. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of Research in Second Language Teaching and Learning* (pp. 471–484). Routledge.

Comparison of English language teaching methods to teenagers and adults: a case study in Islamic Azad University, Hamadan branch

Pejman Karami

Department of English, Islamic Azad University Malayer Branch, Hamedan, Iran

Abstract

English language teaching methods differ significantly depending on the age group of learners. This study, focusing on students at Hamedan Islamic Azad University, compares teaching methods in two age groups: adolescents (first-semester students) and adults (senior students and working people). First, the cognitive and psychological characteristics of these two groups are examined, and then the effects of different teaching methods, including communicative methods, multimedia-based learning, and targeted training based on professional needs, are analyzed. Data were collected through questionnaires and interviews with professors and students and analyzed using statistical methods. The results show that learning through interactive and multimedia approaches is most effective for first-semester students and practical training based on real situations for senior students. The findings of this study can be effective in improving English language teaching methods in universities.

Keywords: English language teaching, teaching methods, first semester students, adults, Hamedan Azad University, language learning, communicative teaching, multimedia learning.
